

رهبر حکیم انقلاب، ۲۰ اردیبهشت‌ماه همزمان با میلاد با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا(ع) و در سالی که با عنوان «سرماپه‌گذاری برای تولید» مزین شده است، در دیداری صمیمانه با کارگران به بیان نکاتی کلیدی و راهبردی درباره مسائل کار و تولید پرداختند. ایشان با تأکید بر نقش بنیادین کارگران در پیشرفت کشور، کار را دارای ارزشی والا دانسته و کارگر را ستون استوار اقتصاد ملی معرفی کردند. در این بیانات الهام‌بخش، محورهای مهم همچون ارزش‌گذاری کار و کارگر، تأمین امنیت شغلی، جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها، امنیت شغلی کارآفرین، مهارت‌افزایی کارگران، ایمنی کارگر، حمایت از تولید داخلی، مشارکت کارگران در سود تولید، تأمین مسکن کارگری، تقویت فرهنگ محیصت کار و توجه به تنوع نیروی کار بر نگاهی آینده‌نگر و دقیق مورد تأکید قرار گرفتند؛ مسائلی که می‌توانند نقشه راهی مؤثر برای تحکیم پیوند میان تولید و معیشت باشند. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورها به صورت جداگانه واکاوی و تلاش شده است ابعاد گوناگون آنها روشن و پیشنهادهایی کاربردی برای سیاست‌گذاران، کارفرمایان و بدنه کارگری کشور ارائه شود. یازدهمین و آخرین گزارش به «توجه به تنوع نیروی کار» می‌پردازد.

سلسله گزارش‌های «جوان» درباره مسائل کارگری – ۱۱

عدالت اجتماعی بدون رسمیت یافتن «تنوع کارگری» معنا ندارد

کارگر فقط کسی نیست که در کارخانه کار می‌کند. این جمله ساده اما قدرتمند، تصویری محدود و کهنه را از نیروی کار به چالش می‌کشد و پنجره‌ای تازه به روی دنیای متنوع کارگران در جامعه می‌گشاید. امروز در خیابان‌های شهر و روستا، در مزرعه‌های سبزر و بازارهای پریهاهو، مردان و زنانی مشغول کارند که غالباً دیده نمی‌شوند و حقوق‌شان به رسمیت شناخته نمی‌شود. بانوانی که در خانه‌های خود به یاری فناوری‌های نوین کسب درآمد می‌کنند، کارگران ساختمانی که روزها زیر آفتاب سوزان و خطرات بی‌شمار کار می‌کنند، کشاورزانی که با دستان پینه‌بسته زمین را زنده نگه می‌دارند و بازاربان بر تالاشی که ستون فقرات اقتصاد روزمره‌اند همه اینها نمایندگان واقعی نیروی کار هستند. اما آ یا نظام‌های حمایتی و قوانین کار به اندازه کافی تنوع این نیروی انسانی را درک کرده‌اند یا هنوز در حصار تعاریف محدود و سنتنی گرفتار مانده‌اند؟ واقعیت تلخ آن است

که بسیاری از این اقشار به ویژه کارگران غیررسمی، خانگی و کشاورزی از مزایای بیمه و تأمین اجتماعی محرومند و در برابر مشکلات اقتصادی و اجتماعی آسیب‌پذیر باقی می‌مانند.

■ ■ ■

در پهنه وسیع نیروی کار، کارگر نه تنها یک عنوان، بلکه هویتی پیچیده و متکثر است. کارگر کارخانه، نماد صنعتی شدن و توسعه اقتصاد مدت‌هاست در مرکز توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است، اما آن سوی این تابلو، تصویری دیگر از کارگری وجود دارد که کمتر دیده شده: مردانی که در دشتی‌های کشاورزی عرق می‌ریزند، زنانی که با هنر و خلاقیت در گوشه‌ای از خانه درآمدزایی می‌کنند یا کارگرانی که در بازارهای پریهاهو به جابه‌جایی کالا مشغولند. این تنوع نیروی کار نه‌تنها بخشی از واقعیت اقتصاد ملی است، بلکه عاملی کلیدی در پایداری و تعادل اجتماعی به‌شمار می‌آید. در نظام‌های تأمین اجتماعی غالباً دسته‌بندی‌ها به گونه‌ای انجام می‌گیرد که تنها بخش محدودی



گزارش یک آذر احمدی‌نر

تنوع نیروی کار شامل کارگران صنعتی، ساختمانی، کشاورزی و بانوان خانه‌دار می‌شود که باید مورد حمایت‌های تأمین اجتماعی و رفاهی قرار گیرند تا عدالت و بهره‌وری واقعی محقق شود

این تنوع گسترده نیروی کار، نیازمند سیاست‌های دقیق و منسجم است تا هر بخش بتواند از حقوق و حمایت‌های قانونی بهره‌مند شود، اما متأسفانه ساختارهای موجود در حوزه تأمین اجتماعی و قوانین کار، هنوز در بسیاری موارد تنها به کارگران رسمی و صنعتی توجه دارند و گروه‌های غیررسمی و خانگی، اغلب در حاشیه قرار می‌گیرند. بانوان کارگر خانه‌دار، نمونه‌ای بارز از این چالش‌ها هستند. امروزه با گسترش فضای مجازی و امکانات کار از راه دور، تعداد قابل توجهی از زنان در منزل به فعالیت‌های اقتصادی مشغولند، اما نبود نظام حمایتی مشخص و سازوکارهای قانونی برای حمایت از این قشر، آنها را در برابر خطرات اجتماعی و اقتصادی آسیب‌پذیر می‌کند. کارگران بازار و تره‌بار نیز به‌رغم نقش کلیدی در تأمین مایحتاج عمومی، معمولاً فاقد بیمه‌های مناسب و حمایت‌های کافی هستند. در نتیجه، در مواجهه با بیماری، حوادث شغلی یا حتی دوران بیکاری، امنیت اقتصادی لازم را ندارند. این مسئله نه‌تنها به زندگی فردی آنان، بلکه به تعادل اجتماعی و اقتصادی کل جامعه نیز لطمه می‌زند.

از این جمعیت وسیع را شامل می‌شود و این یعنی بسیاری از کارگران رسمی، خانگی و کشاورزی همچنان از مزایای حداقلی محرومند. اگر بخواهیم عدالت اجتماعی را در حوزه اشتغال تحقق بخشیم، لازم است تا نگاه خود را گسترش دهیم و تنوع کارگران را به رسمیت بشناسیم. این امر نه‌تنها یک وظیفه حقوقی و اخلاقی است، بلکه در بستر توسعه پایدار و افزایش بهره‌وری ملی نقشی اساسی ایفا می‌کند. در کشورمان نیروی کار دیگر محدود به کارخانه‌ها و صنایع سنگین نیست. مردان و زنان بسیاری در حوزه‌های مختلف مشغول فعالیتند که هر یک با ویژگی‌ها و نیازهای خاص خود روبه‌رو هستند. کارگران ساختمانی که به‌رغم سختی کار و مخاطرات متعدد، اغلب در معرض بی‌توجهی قرار دارند؛ کشاورزان و کارگران مزرعه که در کنار رنج طاقت‌فرسای کشاورزی، نیازمند حمایت‌های ویژه‌اند؛ کارگران بازار و تره‌بار که بخشی مهمی از اقتصاد روزمره را تأمین می‌کنند و بانوانی که در خانه و به واسطه ابزارهای نوین ارتباطی مشغول کسب درآمدند.

کاهش سرعت اجاره‌بها تداوم می‌یابد؟

چشم‌انداز اجاره‌بها با تعیین سقف دولتی



■ **الزامات کاهش نرخ اجاره‌بها**
کارشناسان بر این باورند برای برپون رفت از این بحران باید سیاست‌های کنترل اجاره همزمان با افزایش درآمد، حمایت‌های مالی مستقیم، توسعه مسکن اجتماعی و نظارت دقیق بر بازارهای رسمی و غیررسمی اجرا شود. همچنین به گفته آنها کنترل تورم مهم‌ترین حمایتی است که دولت می‌تواند از مستأجران داشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش قیمت اجاره افزایش نرخ تورم و قیمت مسکن بوده‌است. در شرایطی که از سال ۹۰ تا ۹۵ متوسط اجاره ۱۲ درصد بود این رقم از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به ۳۸ درصد و در سال گذشته به ۴۰ درصد رسیده است. در شرایطی که تورم روندی افزایشی دارد عرضه مسکن به بازار اجاره کم می‌شود. در این شرایط تقاضای خرید سرمایه‌ای به جای تمایل به عرضه مسکن استیجاری به شکل تقاضا برای خرید و فروش سوق پیدا می‌کند. همچنین عامل دیگر افزایش اجاره‌بها محدودیت در عرضه مسکن و زمین بازمی‌گردد. از سویی دیگر سیاست‌های دولت به گونه‌ای نبوده که منجر به تشویق به افزایش عرضه مسکن شود. گزارش‌ها حاکی از آن است که به‌رغم برخی سیاست‌های دولت، احتکاک مسکن کم نشده. باهمه این موارد برآوردی که از دیدگاه کارشناسان اقتصاد مسکن می‌شود این است که با توجه به سیاست اقباضی دولت انتظار می‌رود تورم اجاره مسکن در تابستان امسال کاهش یابد.

■ **وضعیت اجاره‌بهای مسکن در یک سال گذشته**
گزارش‌ها نشان می‌دهد رشد ماهانه اجاره‌بها نسبت به سال گذشته کم شده است. بر اساس اعلام منابع رسمی، نرخ رشد ماهانه اجاره‌بها از میانگین ۴ درصد سال ۱۴۰۳ به ۲ درصد در بهار امسال رسیده است. سال گذشته بدترین سال برای مستأجران بود؛ سال رکوردشکنی افزایش قیمت اجاره که به ۴۰ درصد نیز رسید، اما در سال جاری تاکنون که نزدیک به سه ماه از سال می‌گذرد سرعت افزایش اجاره کمی کاهش پیدا کرده است. کارشناسان دلیل این مسئله را در وضعیت اقتصاد کلان می‌دانند. در پی افزایش ایهامات ناشی از وضعیت مذاکرات، اقتصاد کشور به نوعی در شرایط قبلی فریز و به گفته کارشناسان این بدتر نشدن وضعیت اقتصاد منجر به کاهش نرخ اجاره‌ها شده است. همچنین به گفته آنها ثبات نسبی قیمت مسکن در سال گذشته نیز از دیگر دلایل این روند است.

■ **ضربه به مستأجران**
برخی کارشناسان بر این باورند با توجه به اینکه دولت در سال جاری مداخله دستوری در بازار اجاره‌بها نداشته این مسئله منجر به افت ماهانه اجاره‌بها شده است. این دسته از کارشناسان معتقدند تعیین سقف ۲۵ درصدی برای اجاره در شرایط تورم بالای ۳۰ درصد در کشور به نوعی موجران را از عرضه مسکن پیشمان می‌کند. همچنین به گفته آنها سیاست تعیین دستوری اجاره

در حالی که جامعه زیر بار سنگین تورم مزمن، کاهش قدرت خرید و جهش مکرر قیمت کالاهای اساسی روزگار می‌گذراند، مجلس شورای اسلامی در اقدامی غیرمنتظره، بالاچرخه مالیات بر ارزش افزوده بر کالاهای اساسی مخالفت کرد. لایحه‌ای که بنا بود دست کم بخشی از زنجیره تورم در اقلام ضروری را کوتاه کند و اندکی از بار معیشتی بر دوش مردم بکاهد، با استناد به دلایل مالی و در آدیدی کنار گذاشته شد. این هم در شرایطی که دولت و مجلس هر دو شعار «مردم‌محوری» و «عدالت معیشتی» را سرلوحه گفتارهای خود می‌دانند.

■ **صورت مسئله ساده بود**

مالیات بر ارزش افزوده به‌ویژه در حلقه اول واردات و تأمین کالا یکی از عوامل پنهان اما مؤثر در افزایش قیمت نهایی برای مصرف‌کننده است. در بسیاری از کشورهای دارای نظام مالیاتی توسعه‌یافته، نرخ مالیات بر کالاهای اساسی –اعم از خوراک، دارو، شیر خشک، نان و پروتئین- صفر یا حداقلی در نظر گرفته می‌شود. هدف روشن است: حمایت از معیشت عمومی و جلوگیری از گسترش فقر. حال آنکه در کشورمان این مالیات حتی بر واردات نهاده‌های دامی نیز اعمال و بار آن سرانجام به گوشت، مرغ، لبنیات و سفرة مردم تحمیل می‌شود.

■ **اما چرا مجلس مخالفت کرد؟**

دلایل رسمی مجلس در پنج بند به پایه گزارش کمیسیون برنامه و بودجه اعلام شد؛ از کاهش ۶۵ هزار میلیارد تومانی منابع عمومی گرفته تا مغایرت با اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی و عدم تضمین اثرگذاری بر قیمت‌بازار، اما در لایه‌ای این استدلال‌ها نوعی نگاه بودجه‌محور و مالیه‌گرا مشهود است که رفاه مردم را قربانی انضباط حسابداری می‌داند. دولت می‌کند. این یعنی هرگونه کاهش بار مالیاتی از دوش مردم تا وقتی منابع جایگزین نداشته باشد، از نگاه مجلس پذیرفتنی نیست اگر فشار اقتصادی در پس این عدد ورقه‌ها، جان مردم را فرسوده باشد.

■ **معمای نفع و زیان**

یکی از استدلال‌های اصلی برای رد لایحه آن بود که سود حاصل از کاهش مالیات به جیب دلالت و وارد کنندگان می‌رود نه مردم. این ادعا در ظاهر قابل تأمل است، اما پرسش اینجاست: اگر نظام توزیع کالا به‌گونه‌ای معیوب است که کاهش مالیات به قیمت تمام‌شده مصرف‌کننده منتقل نمی‌شود، چرا سالیانست اصلاح نمی‌شود؟ آیا راهکار،

گزارش ۲ سبیده‌زمانی